

## مأموریت سخت در صبح سرد زمستانی

پیمان بخشی

کارشناس فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ پایگاه تجره شهرستان خرم آباد استان لرستان

صبح روز پنجشنبه یازدهم دی امسال که از روزهای سرد زمستانی بود طبق روال هر روزه برای تحویل گرفتن شیفت و تغییر و تحول تجهیزات آمبولانس وارد پایگاه شدیم، پس از بررسی تجهیزات و نوشتن دفتر با همکارم امید یاراحمدی مشغول صرف صبحانه شدیم، ساعت ۹:۴۰ صبح حدود یک ساعت و نیم از شروع شیفتمان گذشته بود که ناگهان تلفن پایگاه زنگ خورد.

در سامانه آسایار (سامانه اتوماسیون ثبت مأموریت‌های اورژانس) از طریق اتاق فرمان یا همون دیسپچ خبر تصادف دو دستگاه خودروی سواری از روبه‌رو در کیلومتر ۱۰ محورسپید دشت - خرم آباد اعلام شد. با اینکه لباس مأموریت بر تن داشتیم و آماده بودیم، گفتم: «امید جان عجله کن که مورد تصادف است». در پایگاه را باز کردم و همکارم آمبولانس را از پایگاه بیرون آورد. امید در حالی که از قبل آلارم‌ها را روشن کرده بود، آژیر را نیز روشن کرد و پس از حدود ۶ دقیقه به محل رسیدیم، جمعیت زیادی تجمع کرده بودند. امید آمبولانس را پارک کرد و به سرعت پیاده شدیم.

ارزیابی کلی از صحنه نشان می‌داد دو دستگاه خودروی ۲۰۶ و پیکان سواری با هم تصادف کرده و از شدت برخورد از جاده منحرف شده بودند، سرنشینان خودروها نیز به بیرون پرت شده و وضع خوبی نداشتند. وقتی بالای سر راننده ۲۰۶ که مردی ۳۲ ساله بود رسیدم گفت آقا من خویم برو سراغ بقیه به آنها کمک کن! من فریاد زدم امید جان درخواست کد کمکی کن بعدش بیا پیش این مصدوم من می‌روم سمت پیکان سواری...وقتی به خودرو نزدیک شدم خانمی ۵۷ ساله با عصای شکسته و خراشیدگی سروصورت، بالای سر شوهرش نشسته و در حالی که صورت او را می‌بوسید با گریه از من درخواست کمک کرد و گفت: «نور خدا به همسرم کمک کنيد من خوب هستم» وضعیت شوهرش وخیم بود زیر ماشین گیر کرده و از درد می‌نالید. با صدایی منقطع و نفس نفس زنان گفت: «پاهایم را از شدت درد نمیتونم تکون بدم، دارم خفه میشم»...

امید با عجله تخت را آورد و با کمک حاضران در صحنه مصدوم را بیرون کشیدیم و به داخل آمبولانس منتقل کردیم، اما حالش رو به وخامت گذاشت صدای ریه کاهش پیدا کرد و رنگش کبود شد. با عجله کیت احیا را آماده کردیم به همکارم گفتم مسیر طولانی است و ممکن است به بیمارستان نرسد باید کاری کنیم، تصمیم‌گیری سخت بود از شدت هیجان و اضطراب صدای ضربان قلبم را در گوش‌هایم احساس می‌کردم، بیمار با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد و ما در تلاش برای نجات مصدوم بودیم. همزمان که از خاوند کمک می‌خواستیم با سوزن آنژیوپکت سوراخی در قفسه سینه‌اش ایجاد کردم، کار سخت و حساسی بود همزمان با خارج شدن هوا از آنژیوپکت ناگهان مصدوم نفس راحتی کشید و رنگ پوست و صورتش عادی شد. من و امید هم با دیدن این صحنه نفس راحتی کشیدیم و خدا را شکر کردیم. در همین موقع نیروهای کمکی رسیدند و به سایر مصدومین رسیدگی کردند. با توجه به شرایط اورژانسی مصدوم او را به بیمارستان شهدای عشایر که ۱۵ کیلومتر با صحنه حادثه فاصله داشت، منتقل کردیم. از شدت خستگی و استرس ماسک‌هایمان خیس عرق شده بود بعد از اطمینان از اتمام مأموریت با رضایت از اینکه نفر کار را از مرگ نجات داده بودیم، راهی پایگاه شدیم.

## دریافت حکم استرداد قماربازان فضای مجازی به کشور

گروه حوادث: فرمانده انتظامی پایتخت از دستگیری ۱۸۳ نفر در زمینه برخورد با قمار و شرط‌بندی آنلاین خبر داد. سردار حسین رحیمی گفت: در زمینه فعالیت‌های مربوط به قمار و شرط بندی در فضای مجازی که این روزها افزایش یافته اقدامات تخصصی و فنی ارزشمندی صورت گرفته که در این مدت ۱۸۳ نفر و فقط در یک اقدام عملیاتی، بالغ بر ۷۰ نفر را شناسایی و دستگیر کردیم که گردش مالی اینها بالغ بر ۵۰۷ میلیارد تومان بوده است. ۱۶ نفر هم که در قالب سه باند بزرگ فعالیت می‌کردند شناسایی و دستگیر شدند.

سردار رحیمی همچنین اظهار کرد: جنگ جدی را علیه قماربازان و افرادی که فرهنگ شرط بندی را ترویج می‌دهند هم در داخل و هم در خارج کشور آغاز کردیم. اقدامات لازم برای شکایت از افرادی که خارج از کشور هستند صورت گرفته است و حکم استرداد برخی از آنها را گرفته و اقدام کردیم. تعداد دیگری هم در حال اقدام است که این افراد بیشتر در حاشیه خلیج فارس هستند.

رحیمی با هشدار به مردم گفت: نرم‌افزارهای این سایت‌ها طوری برنامه‌ریزی می‌شود که اکثر افراد مالباخته هستند.

## قطار شهری تبریز از ریل خارج شد



**گروه حوادث:** قطار شهری تبریز صبح دیروز در سه راهی امین به سمت لاله در منطقه قوققا از ریل خارج و دچار حادثه شد. به گزارش فارس، در این حادثه، راننده لوکوموتیو از ناحیه چشم مصدوم و به بیمارستان منتقل شد. بهرام فرحنت، مدیرعامل شرکت بهره‌برداری قطار شهری تبریز درباره این حادثه گفت: حادثه‌ای که صبح دوشنبه در یکی از ایستگاه‌های قطار شهری تبریز رخ داد، خسارت جانی نداشت. وی با بیان اینکه قطار خالی از مسافر بوده است، افزود: در این حادثه خسارتی به واگن آسیب دیده وارد شده است که از طریق بیمه جبران خواهد شد. علت حادثه توسط کارشناسان سازمان قطار شهری در حال بررسی است و پس از بررسی کامل اعلام خواهد شد.

## تصویر خروگوش ها شکارچی را به دام انداخت

**گروه حوادث:** شکارچی متخلف که پس از شکار ۴ خروگوش تصویر آنها را در اینستاگرام منتشر کرده بود، دستگیر شد.

«معصومه پارچیان»، رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان بهار استان همدان در این باره گفت: مأموران بگان حفاظت محیط زیست بهار در پایش فضاسازی مجازی متوجه تصویر شکار چند خروگوش بدون سر در اینستاگرام شدند و موضوع بلافاصله پیگیری و با هماهنگی دستگاه قضایی و محیط‌بانان شکارچی متخلف در شهر لاجین شناسایی و تحویل مرجع قضایی شد. از این شکارچی متخلف علاوه‌بر لاشه چهار خروگوش، یک قبضه سلاح شکاری نیز کشف و ضبط شده است.

# نقشه‌هولناک زن ۱۷ ساله برای قتل شوهر



مشکلات عدیده‌ای در خانواده‌اش داشته از جمله پدری که خانواده را ترک می‌کند و هیچ گونه مسئولیتی نمی‌پذیرد، مادری که اعتیاد دارد و فرزندانش جایگاهی در زندگی وی ندارند و در ازای ازدواج دخترش پول می‌گیرد. سحر هیچ علاقه‌ای به همسرش نداشته و در واقع ازدواج اجباری بوده و همین موضوع باعث شده که هیچ وقت در خانه همسر آرامش نداشته باشد و احساس تنهایی و خلأ عاطفی نیز داشته است. از جانب همسرش حمایت کافی (عاطفی، مالی و...) را دریافت نمی‌کرده و این موضوع باعث شده که به شخصی غیر از همسر گرایش پیدا کند. همه این عوامل وی را به سمت ارتکاب جرم سوق داده است.

**استان تهران**  
شرط آنکه خانواده‌ای سالم باشد، این است که اعضای آن سالم باشند، برای بهبودی وضع اجتماع، تلاش برای بهبود وضع خانواده و افراد آن مهم‌ترین مسأله است. به بیان دیگر ارتباط در خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که افراد را به بیان نیازها و نگرش‌هایشان قادر می‌سازد و ارتباط باز و صادقانه فضایی ایجاد می‌کند تا اعضا بتوانند به بیان اختلاف نظرهای خود پرداخته و نیز بتوانند عشق و محبت و تحسین خود را نسبت به یکدیگر ابراز نمایند و مشکلات اجتناب‌ناپذیر را که برای تمام خانواده‌ها به‌وجود می‌آید، حل نمایند.

در این پرونده سحر از همان ابتدای کودکی

و جسدش را در همان باغی که سرایدار بودیم، دفن کردیم. بعد از این ماجرا به تهران آمدم و در یک تولیدی کار پیدا کردم. چند ماهی در خانه مادرم بودم اما او بارها پیشنهاد داد که دخترم را بفروشم و حتی مشتری هم برای دخترم پیدا کرد اما من قرار کردم و دو هفته در خانه خالهام ماندم بعد هم به سعید گفتم بایرام خانه بگیرد که قبول کرد و دو ماهی با هم زندگی می‌کردیم که دستگیر شدیم.

بدین ترتیب با اعترافات این زن و همدستش هر دو بازداشت شدند.

## نکاه کارشناس

■ **سروان الهام دهنوی رئیس مرکز مشاوره غرب**

## همدستی با خانم منشی برای

# سرقت ۲۸ کیلو طلا

**گروه حوادث:** دو مرد شاید با همدستی خانم منشی پس از جلب اعتماد مرد طلاساز در مدت سه سال ۲۸ کیلو طلا را با شگردی خاص سرقت کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل، مرد طلاسازی به پلیس رفت و از دو کارمند دفتری و منشی‌اش شکایت کرد و گفت: کارگاه طلاسازی بزرگی در شمال تهران دارم و سفارش‌های زیادی از بازار تهران و شهرستان‌ها می‌گیرم اوضاع مالی‌ام که خوب شد از حدود سه سال قبل یک حسابدار، مدیر فروش و یک منشی استخدام کردم.

و شهرام مدیر فروشم بود آنها وضع مالی خوبی نداشتند و من خیلی کمک‌شان می‌کردم. من سفارش‌های سنگینی برای ساخت طلا می‌گرفتم و شهرام و بهروز کارهای مربوط به فروش و حسابداری را انجام می‌دادند و من به آنها خیلی اعتماد داشتم تا اینکه مدتی قبل و به فاصله زمانی چند هفته این سه نفر پیش من آمدند و گفتند که دیگر نمی‌خواهند با من کار کنند. با اینکه تعجب کرده بودم اما موافقت کردم و آنها رفتند تا اینکه چند روز قبل متوجه شدم یکی از آنها طلافروشی باز کرده و یکی هم

## قرار در مترو برای کلاهبرداری

**گروه حوادث:** مرد شاید که به بهانه صدور برگه معافیت از خدمت سربازی و سایر خدمات دولتی بیش از ۱۰ میلیارد ریال از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد با قربانیانش در ایستگاه مترو قرار می‌گذاشت.

سرهنگ «سعید عطالهی» رئیس پلیس مترو در تشریح این خبر گفت: پرونده‌ای مبنی بر شناسایی و دستگیری یک کلاهبردار به پلیس مترو رسید و تیمی از مأموران پلیس مترو بررسی موضوع را بر عهده گرفتند.

دستگاه‌های دولتی متخلفان آنها اعلام کردند با متهم که خود را صاحب پست و مقام در از پارکینگ یا معافیت از خدمت سربازی و خروج از کشور بدون طی تشریفات قانونی دریافت کند، در دفتر کارش در محدوده مرکزی تهران آشنا شده‌اند و می‌آلغی به وی پرداخت کرده‌اند. در بررسی پرونده مشخص شد که متهم بیشتر قرارهای خود را در داخل ایستگاه‌های مترو گذاشته و مالباختگان برای پرداخت وجوه درخواستی وی را در ایستگاه مترو بویژه ایستگاه مرکز شهر ملاقات کرده‌اند. متهم برای پرداخت وجوه درخواستی تیم‌های مختلف پلیس مترو قرار داده شد تا اینکه تیم عملیات پلیس مترو امام خمینی موفق شدند متهم را هنگام پرسش‌زنی در سکوی مترو امام خمینی (ره) شناسایی کنند. وی اظهار کرد: متهم پس از انتقال به پلیس مترو، تاکنون به ۵۰ فقره کلاهبرداری اعتراف و اظهار داشت با افتتاح دفتری در سطح شهر، سوزه‌های خود را شناسایی و با گذاشتن قرار در ایستگاه‌های مترو، بیش از ۱۰ میلیارد ریال از شهروندان کلاهبرداری کرده است.



زیادی که داشت کارها را به ما سپرده بود و ما هم از اعتمادش سوء استفاده کردیم و با فاکتورسازی هر چندوقت یک بار بخشی از طلاها را می‌زدیدیم و او هم متوجه نمی‌شد. پول‌هایی را

که به دست می‌آوردیم بین خودمان تقسیم می‌کردیم. با اعترافات متهمان هر سه متهم در اختیار پایگاه سوم پلیس آگاهی قرار داده شدند و تحقیقات ادامه دارد.

## سرقت طلاهای خواهر برای پرداخت مهریه

**گروه حوادث:** مرد معتاد به خاطر پرداخت مهریه همسرش، طلاهای خواهر مرده‌اش را دزدید. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سوم آذر پرونده‌ای از کلانتری ۱۲۱ سلیمانیه با دستور قضایی به پایگاه ششم پلیس آگاهی فرستاده شد. شاکي پرونده در توضیح ماجرا به مأموران گفت: مدتی پیش همسرم فوت کرد و درگیر مراسم خاکسپاری بودم و افرادی از بستگام به منزلم رفت و آمد می‌کردند. پس از اتمام مراسم متوجه شدم طلاهای همسر مرحومم به ارزش تقریبی ۲۰۰ میلیون تومان به سرقت رفته است. در این باره به برادرزنم که علاوه بر اعتیاد سابقه کفیری هم دارد، مظنون هستم. مأموران از برادرزن شاکي تحقیق کردند که ابتدا منکر شد اما در ادامه و پس از مواجهه با دلایل و مستندات موجود به سرقت طلاها اعتراف کرد و گفت: مدتی پیش به علت اعتیاد، همسرم از من جدا شد و محکوم به پرداخت مهریه‌اش شدم. بعد از فوت خواهرم از ترس اینکه به خاطر نپرداختن مهریه زندان بیفتم تصمیم به سرقت طلاهای او گرفتم. سرهنگ علی کنجوریان رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی در این باره گفت: با راهنمایی متهم طلاهای سرقتی کشف و متهم نیز با صدور قرار مناسب به زندان رفت.

## انکار مرد ضایعات فروش در قتل همکارش

**گروه حوادث:** مرد ضایعات فروش که متهم است به خاطر اختلافات مالی همکارش را به قتل رسانده صبح روز گذشته در شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ با کشف جسد مردی ۳۵ ساله به نام حمید در یکی از خیابان‌های منطقه خیرآباد از سوی مأموران گشت پلیس آغاز شد. در ادامه مشخص شد که پدر مقتول یک روز قبل از کشف جسد گزارش ناپدید شدن پسرش را اعلام کرده بود. وی به مأموران گفت: یک روز قبل از پیدا شدن جسد پسرم او با همسرش تماس گرفته بود و پس از آن دیگر تلفتش را جواب نداد. وقتی عروسم این موضوع را به من گفت نگرانش شدم و به اداره پلیس مراجعه کردم. پسرم با مردی به نام قاسم کار می‌کرد. طبق گفته عروسم روز حادثه هم با قاسم قرار گذاشته بود. بدین ترتیب قاسم احضار شد و در تحقیقات گفت:

من و حمید در کار خرید و فروش ضایعات بودیم. روز حادثه جوانی افغانستانی به نام جمعه با حمید تماس گرفت و گفت که مقداری ضایعات مسی برای فروش دارد ما هم برای خریدن آن به محلی که جوان افغانستانی گفته بود رفتیم اما در محل به اختلاف برخوردیم و باهم درگیر شدیم از آنجا که جمعه فرد قوی هیکلی بود و قمه هم داشت من از ترسم خودم را داخل کانال آب انداختم و فرار کردم و دیگر از سرنوشت حمید خبر ندارم. در ادامه مأموران گفته‌های قاسم را مورد بررسی قرار دادند و در تحقیقات میدانی دریافتند اظهارات او با واقعیت منطبق نیست. از طرفی هم شواهد در هنگام کشف جسد حمید نشان می‌داد که او در محل دیگری به قتل رسیده است.

بررسی مأموران نشان می‌داد که قاسم و حمید از مدتی قبل باهم اختلافاتی داشته‌اند. با توجه به شکایت اولیای دم و مدارک به دست آمده پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی پس از درخواست اولیای دم مبنی بر قصاص متهم، قاسم به جایگاه رفت و گفت: من و حمید باهم اختلافاتی داشتیم اما موضوع آنقدر مهم نبود که بخوام مرتکب قتل شوم و اتهام‌ها را قبول ندارم. آن روز وقتی جوان افغانستانی به ما حمله کرد من از ترس جانم فرار کردم اما او با چاقو حمید را مجروح کرده بود.

در این هنگام قاضی خطاب به متهم گفت: تو با حمید اختلاف داشتی. از طرفی فردی که می‌گویی مرتکب قتل شده شناسایی نشده و شاهدانی هم که معرفی کرده‌ای گفته‌اند فردی به نام جمعه را نمی‌شناسند. متهم پاسخ داد: من در قتل حمید نقشی نداشتم. من فقط برای نجات جانم از دست جوان افغان به داخل کانال آب پریدم و در هنگام فرار پشت سرم را نگاه نمی‌کردم فقط به فکر نجات جان خودم بودم. من آنقدر ترسیده بودم که حتی با حمید تماس نگرفتم تا ببینم چه اتفاقی برایش افتاده است. فقط ۲ سال است بی دلیل بازداشت شده‌ام و برایم پرونده تشکیل داده‌اند و زندگی‌ام را نابود کرده‌اند. پس از اظهارات قاسم و توضیحات وکیلش قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.